

بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله القاصم الجبارين



اندیشکده قرار

تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها یکی از اهداف اصلی مقاومت است. فهمیدن این فرصتی که در دل تهدیدها نهفته است، نیاز به مطالعاتی علمی، روش‌مند و در عین حال هدفمند و با دغدغه دارد. مطالعاتی ساختاریافته که به دنبال رسیدن به هدفی مشخص در میدان باشد، از پرداختن بیش از اندازه به کلیات و تحلیل‌های بدون مستندات دقیق اجتناب کند، محدودیت‌های میدانی را بشناسد و از اطناب آکادمیک اجتناب کند. اندیشکده قرار تلاش دارد این نیاز حیاتی جبهه مقاومت را برطرف سازد و به محلی برای همگرایی مطالعات ساختاریافته و هدفمند در زمینه مقاومت و استعمار در منطقه غرب آسیا تبدیل شود.

کمک‌های نظامی ایالات متحده به رژیم صهیونیستی؛

دارایی راهبردی، اهرم سیاسی و وابستگی ساختاری

کمک‌های نظامی ایالات متحده به رژیم صهیونیستی طی دهه‌های گذشته به یکی از ستون‌های اصلی امنیت ملی این رژیم تبدیل شده است؛ حمایتی که کارکرد آن فراتر از تزریق منابع مالی بوده و در عمل بخشی از معماری بازدارندگی، برتری نظامی و پیوند راهبردی رژیم با ایالات متحده را شکل داده است. در چنین چارچوبی این کمک‌ها نه تنها بر موازنه قدرت در فضای امنیتی پرتنش خاورمیانه اثر گذاشته‌اند، بلکه به‌عنوان یک پیام سیاسی پایدار، تعهد واشنگتن به امنیت رژیم را برای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌طور مستمر یادآوری کرده‌اند.

در چارچوب توافق ده‌ساله کنونی، سالانه حدود ۳.۸ میلیارد دلار کمک نظامی به رژیم صهیونیستی اختصاص می‌یابد که شامل ۳.۳ میلیارد دلار تأمین مالی نظامی و حدود ۵۰۰ میلیون دلار برای توسعه مشترک سامانه‌های پدافند موشکی است. این رقم جدا از کمک‌های موردی و اضطراری است؛ به‌گونه‌ای که پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، ارتش اشغالگر علاوه بر تعهدات توافق‌نامه، بین ۱۶ تا ۲۲ میلیارد دلار کمک نظامی اضافی دریافت کرده است. بر این اساس، این رژیم (به‌جز شرایط خاص ناشی از جنگ اوکراین) همچنان بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک نظامی ایالات متحده در جهان به‌شمار می‌رود.

با این حال، سطح حمایت‌های آمریکا صرفاً به کمک‌های نظامی مستقیم محدود نمی‌شود. ایالات متحده از طریق سازوکارهای متنوعی همچون سرمایه‌گذاری در زیست‌بوم نوآوری، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها، ایجاد و توسعه صندوق‌های مشترک تحقیق و توسعه، همکاری‌های دانشگاهی و فناورانه، تضمین‌های اعتباری، تسهیل دسترسی به بازار سرمایه و پیوند دادن شرکت‌های اسرائیلی به زنجیره‌های ارزش و تأمین جهانی نیز به تقویت بنیان‌های اقتصادی و فناوری این رژیم کمک می‌کند. این شبکه حمایت‌های مالی، فناورانه و نهادی در کنار پشتیبانی سیاسی و دیپلماتیک در مجامع بین‌المللی تصویری جامع‌تر از ابعاد راهبردی روابط دو طرف ارائه می‌دهد؛ روابطی که فراتر از کمک‌های نظامی به تثبیت برتری فناورانه، اقتصادی و امنیتی اسرائیل در محیط پیرامونی خود انجامیده است.

تخصیص کمک‌های نظامی آمریکا به رژیم صهیونیستی در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۲۸ (میلیون دلار آمریکا)^۱

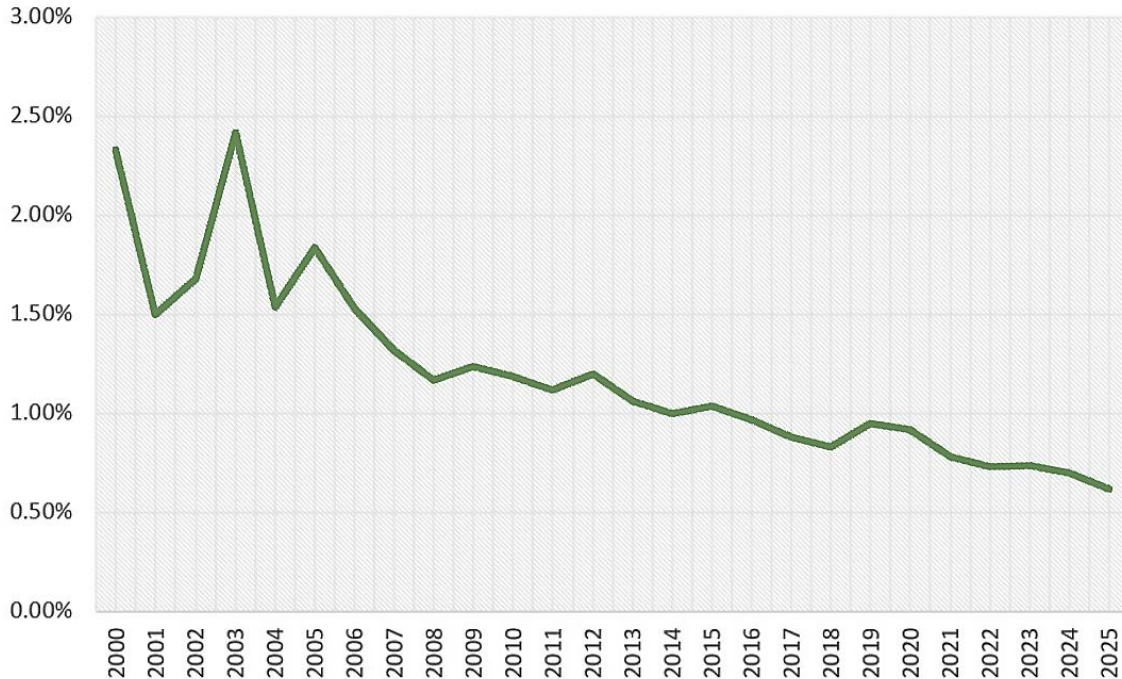
سال مالی ایالات متحده	کمک برای تأمین (خرید) در ایالات متحده	کمک تبدیل شده به شِکل	سهم کل کمک نظامی خارجی آمریکا (FMF)	سهم آمریکا از تأمین مالی پروژه‌های مشترک رهگیری موشکی	کل
2009	1,879	671	2,550	177	2,727
2010	2,045	730	2,775	202	2,977
2011	2,211	789	3,000	415	3,415
2012	2,266	809	3,075	306	3,381
2013 ⁴	2,169	774	2,943	447	3,390
2014	2,285	815	3,100	729	3,829
2015	2,285	815	3,100	620	3,720
2016	2,285	815	3,100	488	3,588
2017	2,285	815	3,100	601	3,701
2018	2,285	815	3,100	706	3,806
Total for the decade	21,995	7,848	29,843	4,691	34,534
2019	2,485	815	3,300	500	3,800
2020	2,495	805	3,300	500	3,800
2021	2,505	795	3,300	500	3,800
2022	2,515	785	3,300	500	3,800
2023	2,525	775	3,300	500	3,800
2024	2,575	725	3,300	500	3,800
2025	2,850	450	3,300	500	3,800
2026	3,050	250	3,300	500	3,800
2027	3,050	250	3,300	500	3,800
2028	3,300	0	3,300	500	3,800
Total for the decade	27,350	5,650	33,000	5,000	38,000

از منظر اقتصاد کلان، سهم کمک‌های نظامی ایالات متحده از تولید ناخالص داخلی رژیم کمتر از یک درصد برآورد می‌شود؛ عددی که در نگاه نخست می‌تواند این تصور را ایجاد کند که اقتصاد رژیم توان تحمل حذف یا کاهش این کمک‌ها را دارد. با این حال، تصویر واقعی در سطح بودجه دفاعی متفاوت است. کمک‌های آمریکا حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد از هزینه‌های مصرفی دفاعی رژیم صهیونیستی را پوشش می‌دهد؛ سهمی که حذف آن به‌طور مستقیم بر توان

¹ https://www.inss.org.il/wp-content/uploads/2020/08/Memo202_e-131-142.pdf

حفظ سطح فعلی آمادگی نظامی، نوسازی تسلیحاتی و مدیریت هم‌زمان هزینه‌های امنیتی و غیرنظامی اثر خواهد گذاشت.^۲

کمک‌های نظامی ایالات متحده به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی رژیم، ۲۰۰۰-۲۰۲۵ (به استثنای کمک‌های ویژه در طول جنگ ۱۷ اکتبر)^۳



یکی از مفاهیم کلیدی که همواره برای توجیه این سطح از حمایت مطرح می‌شود «برتری کیفی نظامی» است؛ اصلی که براساس آن رژیم باید قادر باشد هر تهدید نظامی متعارف یا نامتقارن را با حداقل تلفات مهار کند. با این حال، این برتری صرفاً یک امتیاز یک‌طرفه برای رژیم نیست. در عمل ایالات متحده از این مفهوم به‌عنوان ابزاری برای مدیریت توازن قوا در خاورمیانه استفاده می‌کند؛ به‌گونه‌ای که هم‌زمان با تأمین پیشرفته‌ترین تسلیحات برای ارتش اشغالگر، فروش سلاح به کشورهای عربی را نیز به‌صورت کنترل‌شده و هماهنگ پیش می‌برد و شبکه‌ای از وابستگی‌های امنیتی منطقه‌ای را حفظ می‌کند.

کمک‌های نظامی آمریکا همچنین دارای ابعاد بازدارنده و سیاسی مهمی هستند. دسترسی رژیم به ذخایر تسلیحاتی آمریکا در شرایط جنگی و امکان افزایش سریع کمک‌ها در زمان بحران بخشی از محاسبات راهبردی بازیگران منطقه‌ای را شکل می‌دهد و بر رفتار آن‌ها اثر می‌گذارد. این مؤلفه، فراتر از ارزش مادی کمک‌ها به قدرت نمادین و بازدارنده آن‌ها می‌افزاید. در عین حال یکی از مزیت‌های برجسته این کمک‌ها قابلیت پیش‌بینی آن‌هاست. توافقی‌های چندساله امکان برنامه‌ریزی بلندمدت برای ارتش رژیم را فراهم کرده، منازعات داخلی بر سر بودجه دفاعی را کاهش داده و ثباتی

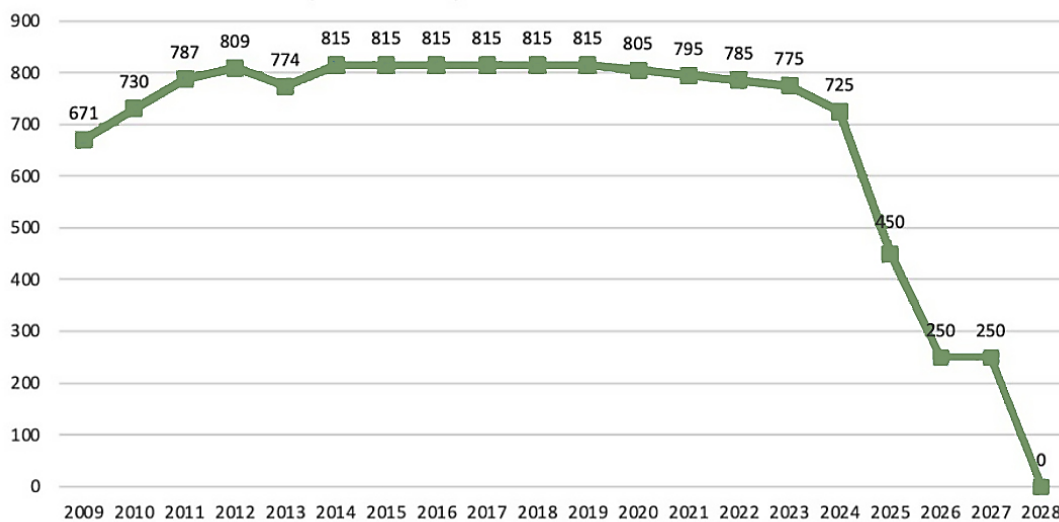
² <https://www.inss.org.il/wp-content/uploads/2026/02/No-2094.pdf>

³ <https://www.inss.org.il/wp-content/uploads/2026/02/No-2094.pdf>

نسبی در روند نوسازی تسلیحاتی ایجاد کرده است. این ثبات، هم‌زمان برای صنایع نظامی آمریکا نیز سودآور بوده و سفارش‌های بلندمدت و قابل اتکایی را تضمین کرده است.

با وجود این مزایا، محدودیت‌های ساختاری مهمی نیز در دل این سازوکار نهفته است. در سال‌های اخیر امکان تبدیل بخشی از کمک‌های دلاری به شکل برای هزینه‌کرد در صنایع داخلی رژیم به تدریج کاهش یافته و قرار است تا سال ۲۰۲۸ به‌طور کامل حذف شود. نتیجه این روند آن است که بخش عمده کمک‌ها مستقیماً صرف خرید از صنایع آمریکایی خواهد شد و سهم صنایع دفاعی داخلی رژیم از این منابع کاهش می‌یابد. به این ترتیب، اگرچه صنایع نظامی رژیم صهیونیستی از نظر فناوری ارتقا یافته‌اند و در پروژه‌های مشترک مشارکت دارند اما وابستگی آن‌ها به زنجیره تأمین، استانداردها و تصمیم‌گیری‌های آمریکا افزایش یافته است.

تبدیل کمک‌های دلاری به شکل طبق توافقنامه برای هزینه‌کرد در صنایع رژیم صهیونیستی^۴



در فضای سیاسی رژیم، گاه دیدگاه‌هایی مطرح می‌شود که خواستار کاهش تدریجی یا حتی چشم‌پوشی داوطلبانه از کمک‌های نظامی آمریکا به‌منظور افزایش استقلال راهبردی هستند. استدلال اصلی این جریان آن است که سهم محدود این کمک‌ها در اقتصاد کلان امکان جایگزینی آن‌ها از منابع داخلی را فراهم می‌کند. در مقابل منتقدان هشدار می‌دهند که حذف این کمک‌ها شکاف بودجه‌ای قابل توجهی در حوزه دفاعی ایجاد می‌کند، فشار بر بودجه‌های غیرنظامی را افزایش می‌دهد و می‌تواند سطح ریسک امنیتی را بالا ببرد.

هم‌زمان تحولات سیاسی در ایالات‌متحده نیز آینده این کمک‌ها را با عدم قطعیت بیشتری مواجه کرده است. اجماع سنتی دوحزبی درباره حمایت بی‌قیدوشرط از اشغالگران تضعیف شده و در هر دو سوی طیف سیاسی آمریکا، صداهایی در حمایت از مشروط‌سازی یا بازنگری در این کمک‌ها شنیده می‌شود. حتی اگر این دیدگاه‌ها به سیاست

⁴ <https://www.inss.org.il/wp-content/uploads/2026/02/No-2094.pdf>

رسمی تبدیل نشوند طرح آن‌ها به تنهایی می‌تواند بر محاسبات راهبردی رژیم صهیونیستی اثر بگذارد و فضای تصمیم‌گیری را پیچیده‌تر کند.

در مجموع داده‌های موجود نشان می‌دهد که کمک‌های نظامی ایالات متحده صرفاً یک ردیف بودجه‌ای در ساختار دفاعی رژیم نیست، بلکه به یکی از اجزای تثبیت‌شده معماری امنیت ملی این رژیم تبدیل شده است. هرچند سهم این کمک‌ها از تولید ناخالص داخلی رژیم به حدود نیم تا یک درصد محدود می‌شود، اما تأمین حدود ۱۵ درصد از کل بودجه دفاعی و نزدیک به ۲۰ درصد از هزینه‌های مصرفی دفاعی نشان‌دهنده وابستگی عمیق عملیاتی و ساختاری است. این وابستگی زمانی معنادارتر می‌شود که در نظر بگیریم بخش مهمی از برنامه‌ریزی بلندمدت تسلیحاتی رژیم صهیونیستی بر پایه توافق‌های ده‌ساله با واشنگتن طراحی شده و بدون این چارچوب‌های پایدار امکان حفظ سطح فعلی نوسازی و آمادگی نظامی با دشواری جدی مواجه خواهد شد.

اصل «برتری کیفی نظامی» نیز اگرچه در ظاهر تضمین‌کننده امنیت رژیم است، اما در عمل بخشی از سازوکار تنظیم توازن قوا از سوی ایالات متحده محسوب می‌شود. ارتش اشغالگر در این چارچوب، هم دریافت‌کننده پیشرفته‌ترین سامانه‌هاست و هم جزئی از سازوکار راهبردی آمریکا برای مدیریت بازار تسلیحات و کنترل معادلات منطقه‌ای. این جایگاه در عین ایجاد مزیت نظامی، استقلال تصمیم‌گیری را در سطوحی محدود می‌کند؛ زیرا استمرار دسترسی به فناوری‌های پیشرفته، خطوط تولید و پشتیبانی لجستیکی، مستقیماً به کیفیت روابط سیاسی با واشنگتن وابسته است. روند حذف تدریجی امکان تبدیل دلارهای کمک به شِکِل و الزام کامل به خرید از صنایع آمریکایی تا سال ۲۰۲۸، این وابستگی را از سطح مالی به سطح صنعتی و فناورانه تعمیق می‌کند. این وابستگی در بلندمدت می‌تواند دامنه استقلال تحقیق و توسعه و آزادی عمل صادراتی صنایع دفاعی رژیم را محدود کند.

هم‌زمان، تحولات سیاست داخلی ایالات متحده و فرسایش اجماع دوحزبی درباره حمایت بی‌قیدوشرط از رژیم، نشان می‌دهد که کمک‌های نظامی حتی اگر تاکنون به ابزار فشار مستقیم تبدیل نشده باشند، واجد ظرفیت بالقوه برای اثرگذاری سیاسی هستند. طرح ایده مشروط‌سازی کمک‌ها یا بازنگری در آن‌ها به تنهایی سطح عدم قطعیت راهبردی را برای رژیم افزایش می‌دهد و نشان می‌دهد که این رژیم در تأمین یکی از حیاتی‌ترین مؤلفه‌های امنیتی خود به منگیری خارج از کنترل مستقیم‌اش وابسته است.

در نتیجه تصویری نهایی یک پارادوکس امنیتی است: کمک‌های نظامی آمریکا از یک‌سو ضامن حفظ سطح فعلی برتری و بازدارندگی اشغالگرانند و از سوی دیگر با نهادینه‌سازی یک پیوند ساختاری، دامنه استقلال راهبردی آن را محدود می‌کنند. با شرایط کنونی، رژیم صهیونی‌نی نه توان جایگزینی کامل این کمک‌ها بدون تحمل هزینه‌های سنگین بودجه‌ای و امنیتی را دارد و نه می‌تواند از پیامدهای سیاسی و صنعتی این وابستگی چشم‌پوشی کند. بنابراین وابستگی به ایالات متحده نه یک انتخاب مقطعی بلکه بخشی تثبیت‌شده از معماری دفاعی رژیم صهیونیستی است؛ معماری‌ای که هرگونه اختلال در آن مستقیماً بر موازنه قدرت، ثبات بودجه‌ای و قدرت مانور راهبردی این رژیم اثر خواهد گذاشت.